

بررسی مسئولیت مدنی تطبیقی ناشی از فعالیت های فوق خطرناک در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا

فاطمه افشاری راد

مدرس دانشگاه، دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

امروزه با توجه به پیشرفت صنایع و تکنولوژی های جدید، موجب شده است تا روز به روز به شمار فعالیت های فوق العاده خطرناک افزوده شود و این امر تشریح نظام مسئولیت حاکم بر آنها را ضروری ساخته است. فعالیت های فوق خطرناک به آن دسته از فعالیت های غیرمعمولی اطلاق می شود که احتمال ورود خسارت در آنها در درجه بالایی قرار دارد، به نحوی که با اعمال مراقبت های معمول نیز نتوان از آن جلوگیری کرد مانند فعالیت های اتمی یا فعالیت های مرتبط با مواد منفجره، سمی و شیمیایی. ماهیت ذاتاً خطرناک اینگونه فعالیت ها موجب شده است تا مسئولیت مدنی شدیدتری برای اینگونه اقدامات در نظر گرفته شود. در کشورهایی چون انگلیس و آمریکا و همچنین در بسیاری از اسناد بین المللی، مسئولیت مدنی محض برای این فعالیت ها در نظر گرفته شده است و حتی در کشورهایی چون فرانسه، فرض تقصیر ملاک قرار گرفته است که به نسبت شدیدتر از نظریه تقصیر می باشد. در حقوق ایران قاعده کلی در رابطه با این دسته از فعالیت ها وضع نشده است و صرفاً برخی از مصادیق آن تصریح شده است. این پژوهش در صدد آن است که با تشریح فعالیت های فوق خطرناک، عناصر و مصادیق آن، با توجه به اسناد بین المللی و حقوق کشورهایی چون انگلیس و آمریکا، راهگشایی برای قانونگذاری و روبه قضایی برای شناختن این گونه فعالیت ها و ضرورت تحمیل مسئولیت مدنی بدون تقصیر نسبت به آنها باشد.

واژه های کلیدی: مسئولیت محض، فعالیت های فوق خطرناک، فعالیت های غیرمعمول خطرناک، مواد منفجره، مواد سمی و شیمیایی

مقدمه

فعالیت‌های فوق خطرناک که تحت عناوینی چون فعالیت‌های فوق العاده خطرناک^۱، فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول^۲ نیز مطرح می‌شود، ابتدائاً در حقوق انگلیس بر مبنای قاعده ریلند شکل گرفت و سپس کشورهای نظیر آمریکا نیز این قاعده را اقتباس کردند. امروزه تعیین نوع مسئولیت مدنی، برای اینگونه از فعالیت‌ها، از اهمیت خاصی برخوردار است. با توجه به خطرات بالقوه شدیدی که اینگونه فعالیت‌ها برای اشخاص و اموال سایرین و یا حتی محیط زیست دارند، موجب شده است تا کشورها مسئولیت مدنی به مراتب سنگینی را برای این فعالیت‌ها در نظر بگیرند. دشواری‌های مربوط به اثبات تقصیر و همچنین ناسازگاری آن با مبانی فعالیت‌های خطرناک، موجب شده است تا کشورها در این مورد عموماً به سوی مسئولیت مدنی بدون تقصیر گام بردارند. با توجه به قوانین کشورهای چون انگلیس و آمریکا که برای اینکه می‌توانیم، یک فعالیت فوق خطرناک را شناسایی کنیم، باید عوامل و شرایطی وجود داشته باشد، از جمله اینکه؛ دارای درجه بالایی از خطر باشند، احتمال ورود زیان در آنها زیاد باشد، در صورت تحقق ضرر، خسارات به نسبت شدید باشند، یک فعالیت غیرمعمول باشد و در نهایت اینکه با شرایط مکانی، انجام فعالیت نیز سازگاری نداشته باشد. از جمله مصادیق مهمی که کشورها و اسناد بین‌المللی بر مبنای این نظریه، بر آن مسئولیت محض تحمیل کرده‌اند می‌توان به حیوانات خطرناک، مواد منفجره، مواد سمی و شیمیایی، فعالیت‌های اتمی و فعالیت‌های فضایی اشاره کرد.

مقصود از مسئولیت محض، مسئولیتی است که در آن مسئولیت مدنی عامل زیان فرض شده است و زیان‌دیده از اثبات تقصیر معاف است. در این مسئولیت عامل زیان صرفاً در صورت اثبات قوه قاهره و عدم نبود رابطه سببیت خود را از مسئولیت معاف کند. مسئولیت محض با توجه به مبانی چون توزیع ضرر و بازدارندگی با مبانی مسئولیت مدنی ناشی از فعالیت‌های فوق خطرناک نظیر ریسک غیرمتقابل، نفع غیرمتقابل و خطرات زیاد این نوع فعالیت‌ها در مقابل مسئولیت مبتنی بر تقصیر، بیشتر سازگاری دارد.

در این نوشتار عموماً از منابع لاتین اعم از کتب، پایان نامه و مقالات خارجی که منابع اصلی این نظریه می‌باشند و همچنین منابع فارسی اعم از کتب و مقالات که رویکرد حقوق ایران رو در این حوزه روشن می‌کنند، به صورت تحلیل و توصیفی و به روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. قوانین و نظریات دکتربین حقوق کشورهای چون انگلیس و آمریکا در این زمینه و همچنین اسناد بین‌المللی مربوط به آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند و تلاش شده است تا با ترسیم فعالیت‌های فوق خطرناک، عناصر و شرایط حاکم بر آن، نوع مسئولیت مدنی حاکم بر آن و در نهایت رویکرد عموم کشورها نسبت به آن، موجب شناسایی بهتر این فعالیت‌ها در ادبیات حقوقی ایران و استفاده آن در قوانین و مقررات و همچنین رویکرد رویه قضایی نسبت به آنها بشود. در حقوق ایران، قاعده کلی برای شناسایی این فعالیت‌ها و تعیین یک نوع مسئولیت مدنی خاص، نسبت به آن وجود ندارد و فقط برخی مصادیق آن در قوانین پراکنده یا در اسناد بین‌المللی که ایران به آن پیوسته است، می‌توان یافت. در ادبیات حقوقی نیز جز برخی آثار معدود، این نوع فعالیت‌ها و اتخاذ این نوع رویکرد که مبتنی بر نظریه فعالیت‌های فوق خطرناک باشد، وجود ندارد. نکته‌ای که ضروری است آن است که حتی بیان برخی از مصادیق بدون شناختن آن نوع فعالیت و عناصر آن و مسئولیت مدنی سازگار با آن، کفایت نمی‌کند و روشن ساختن آن‌ها لازم است. علاوه بر آن، شناسایی این نوع فعالیت‌ها منجر می‌شود تا نسبت به سایر اقدامات فوق خطرناک که تصریحی وجود ندارد، مسئولیت مدنی مناسب تعیین شود.

^۱ Ultrahazardous Activity

^۲ Abnormally dangerous activities

با توجه به اهمیت درک مفهوم فعالیت‌های فوق خطرناک و مبانی آن در فصل اول ابتدائاً مفهوم فعالیت‌های فوق خطرناک و انواع رویکرد کشورها نسبت به تعریف آن پرداخته می‌شود و سپس مهمترین مبانی این نظریه اعم از توزیع ضرر، بازدارندگی، ریسک غیرمتقابل، نفع غیرمتقابل و تخصیص ضرر بررسی می‌شوند. فعالیت‌های فوق خطرناک دارای مصادیق بارز و روشنی در حقوق داخلی و بین المللی می‌باشند که بررسی جداگانه آنها ضرورت دارد از این رو فصل دوم مهمترین مصادیق این نوع فعالیت‌ها در حوزه حقوق داخلی و در اسناد بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است.

مبحث اول: معاهدات

در این مبحث معاهداتی مورد بررسی قرار می‌گیرند که ممکن است تحت عنوان فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول قرار بگیرند. در این معاهدات حقوق و تکالیف طرفین معاهده و اصول کلی حقوق بین الملل که نسبت به آنها اعمال می‌شود، بررسی می‌گردد.

گفتار اول: حمل و نقل هوایی کشوری^۱

معاهده رم در سال ۱۹۳۳^۲ و ۱۹۵۲^۳ که در رابطه با مسئولیت خسارات ناشی از هوانوردی بود، در واقع از حمایت‌های اولیه نظریه مسئولیت محض در حقوق بین الملل به شمار می‌رود. علاوه بر این، معاهده رم از حیث تاریخی یکی از مهمترین معاهداتی است که اصول کلی مسئولیت محض را بیان کرده است که بعد از آن در موافقت نامه‌های بین المللی درج شده است. ماده یک معاهده رم بیان می‌دارد که: "هر شخصی که بر روی سطح زمین خسارت وارد شود اگر تنها ثابت کند که آن خسارت از سوی هواپیمای در حال پرواز یا هر شخصی یا چیزی که از آن سقوط کرده است، ایجاد شده است، مستحق جبران خسارت است."^۴ معاهده رم در واقع عامل تقصیر یا بی احتیاطی را به عنوان معیار مسئولیت حذف کرد. علاوه بر آن، این معاهدات مسئولیت بهره بردار هواپیما، یعنی کسی که از هواپیما نفع می‌برد یا نمایندگان و کارمندان آنرا کانالیزه کرد. با وجود آنکه معاهدات رم مسئولیت بدون تقصیر را در نظر گرفته است لیکن دامنه مسئولیت بهره بردار هواپیما را محدود کرده است. بسته به وزن هواپیما، ادعای جبران خسارت در موارد مختلف از نظر، میزان جبران خسارت محدود شده است. در نظر گرفتن محدودیت در مسئولیت همراه با مسئولیت بدون تقصیر، بیشتر به دلیل اختلافات منافع سیاسی کشورها می‌باشد.^۵ علاوه بر این موارد، معاهده رم بهره بردار هواپیما را مکلف کرده است که خسارت‌ها را بیمه کرده یا از طریق دیگر ضمانت‌های مالی از منافع آسیب دیده اشخاص ثالث حمایت کند.^۶

^۱ Civil Aviation

^۲ International Convention for the Unification of Certain Rules Relating to Damage Caused by Aircraft to Third Parties on the Surface, opened for signature at Rome, May 29, 1933, U.S. Dep't of State, i Foreign Relations of the United States: X933, at 968

^۳ Convention on Damage Caused by Foreign Aircraft to Third Parties on the Surface, done at Rome, Oct. 7, 1952, 310 U.N.T.S. 181

^۴ در مقایسه این ماده با ۲ معاهده ۱۹۳۳ رم باید توجه کرد که در این معاهده چنین بیان شده بود که: "در صورتی که ضرر به صورت مستقیم نباشد یا اینکه به صرف عبور از حریم هوایی طبق مقررات باشد، شخص حق جبران خسارت ندارد" و بر این اساس دیگر خسارت‌هایی نظیر سر و صدای هواپیما قابل جبران نبود.

^۵ The Rome Conventions of 1933 & 1952: Do They Point a Moral?, 28 J. Air L. & Comm. 418, 420-21 (z962).

^۶ Article x5(I) of the 1952 Rome Convention

معاهده رم با در نظر گرفتن مسئولیت محض و محدودیت میزان خسارت قابل جبران، در واقع منافع بهره بردار هواپیما و اشخاص ثالث زیان‌دیده را با یکدیگر وفق داده است. از طرفی با در نظر گرفتن مسئولیت محض و الزام به بیمه از زیان‌دیده حمایت کرده است و از طرف دیگر با محدود کردن میزان خسارت قابل جبران و در نظر گرفتن یک مبنای معقول و متعارف برای میزان خسارات، از بهره بردار هواپیما حمایت کرده است. همین نوع نگرش در تعیین مسئولیت محض برای فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول می‌توان مشاهده کرد که یکی از شرایط این نوع از مسئولیت آن است که فواید عمومی آن فعالیت بیشتر از ریسک‌های آن فعالیت نباشد.

گفتار دوم: فعالیت‌های فضایی

ماده ۵ معاهده اصول حاکم بر اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی مقدر می‌کند که: "هر کشوری کهشی ای را به فضا پرتاپ کند ... از نظر بین المللی نسبت به خسارات وارده، که ناشی از آن شیء یا قطعات آن بر روی زمین، در فضای جو یا در فضای خارج از جو از جمله ماه و دیگر اجرام آسمانی باشد، نسبت به دیگر کشورهای عضو معاهده یا اشخاص حقیقی و حقوقی آنها ضامن است."

با این وجود معاهده فضای ماورای جو به خودی خود، ماهیت این مسئولیت بین المللی را تعریف نکرده است. در این مورد اگر از معاهده رم قائل به تقلید شویم باید این نوع مسئولیت را محض بدانیم لیکن اگر به جای آن، تئوری سنتی حاکم بر مسئولیت دولت‌ها را حاکم بدانیم، این مسئولیت مبتنی بر تقصیر است.

به منظور رفع ابهام از ماده ۵ این معاهده، کمیته فرعی حقوقی سازمان ملل متحد در زمینه استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو در تهیه پیش نویس این معاهده در ماده ۲ صریحاً مقرر کرده است که "کشور پرتاپ کننده شیء به فضا باید در مقابل خسارات وارده ناشی از آن در سطح زمین یا به هواپیما در حال پرواز، به طور مطلق مسئول شناخته شود."^۱

در حالیکه معاهده رم، مسئولیت محض را نسبت به بهره بردار هواپیما تحمیل کرده بود، در این معاهده مسئولیت متوجه کشور پرتاپ کننده شیء به فضا قرار داده است که این امر خود مبتنی بر ملاحظات می‌باشد. اول آنکه ممکن انتظار رود تا فعالیت‌های فضایی تحت مدیریت مستقیم دولت باشند. با توجه به ماهیت تکنولوژی و سرمایه‌هایی که برای آن لازم است، شرکت خصوصی در بسیاری موارد در این باره نقش فرعی را ایفا می‌کنند.

علاوه بر آن، از آنجایی که دولت اصولاً مسئول فعالیت‌های فضایی انجام شده درون صلاحیت قضایی خودش می‌باشد، تکلیف او به جبران خسارت بر اثر حوادث فضایی بر اساس همان رویکردی هست که نسبت به مسئولیت بهره بردار شرکت بر اساس حقوق داخلی می‌باشد، یعنی اگر ضرر وارده ناشی از فعالیت‌هایی باشد که درجه بالایی از خطر به همراه داشته به نحوی که نتوان با مراقبت معمول از آن جلوگیری کرد، کشور پرتاپ کننده باید به طور محض نسبت به خسارات وارده مسئول شناخته شود. با توجه به اینکه فعالیت فضایی دارای ریسک‌های غیرقابل اجتنابی است، مسئولیت دولت در این باره باید به طور محض در نظر گرفته شود.^۲

^۱ U.N. Doc. A/AC. 105/94 (July 8, 1971)

^۲ بادینی، حسن، عباسی، سمیه، ۱۳۹۷، مجله حقوق تطبیقی، "بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق"، ش ۱۰۹، ص ۱۰

گفتار سوم: فعالیت‌های اتمی

فعالیت‌های اتمی یکی از مصادیق بارز از فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول به شمار می‌روند، از این حیث که ریسک ورود ضرر در آن بسیار بالا هست و از منظر حقوق بین الملل به طور خاص، نیز این ریسک جنبه فراملی دارد و از طرفی از جمله فعالیت‌هایی به شمار می‌رود که با اعمال مراقبت‌های معمول، نمی‌توان از آن جلوگیری کرد. احتمالاً به دلیل همین درک هست که این اصل در معاهدات بین المللی و چند جانبه در مورد فعالیت‌های اتمی به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است.¹

معاهده وین که به وسیله آژانس انرژی اتمی حمایت شده است، صریحاً بیان می‌دارد که:

"مسئولیت مدنی بهره بردار تاسیسات هسته‌ای برای خسارت‌های اتمی ... باید به صورت محض باشد." این نوع مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست بلکه "صرف اثبات اینکه خسارت‌ها بر اثر حادثه اتمی واقع شده است، بهره بردار تاسیسات هسته‌ای را مسئول می‌کند."² بهره بردار در واقع شخصی است که بر فعالیت خطرناک کنترل عملی مؤثر دارد.³

بر اساس این کنوانسیون "بهره بردار" شخصی است که به وسیله دولت، داخل در محدوده سرزمینی، به عنوان شخصی به رسمیت شناخته شده یا گمارده شده است که به عنوان بهره بردار تاسیسات هسته‌ای انجام فعالیت می‌کند.⁴ "تاسیسات هسته‌ای" نیز شامل کارخانه‌های تولیدی، فرآوری یا بازفرآوری مواد هسته‌ای یا تاسیسات ذخیره مواد هسته‌ای می‌شود.⁵

"خسارت‌های هسته‌ای" نیز شامل خسارت‌های مربوط به از دست دادن جان یا هر نوع آسیب بدنی یا هر نوع خسارت به اموال می‌شود که ناشی از مواد رادیواکتیو یا ترکیب مواد رادیو اکتیو با مواد سمی، شیمیایی یا دیگر مواد خطرناک سوخت هسته‌ای یا محصولات رادیواکتیو یا زباله‌های آنها یا محصولات هسته‌ای ساخته شده در تاسیسات هسته‌ای می‌باشد.⁶ به عبارت دیگر بهره بردار نه تنها در مقابل خسارات ناشی از وقوع حادثه در سایت هسته‌ای مسئول است بلکه در مورد خسارت‌های هسته‌ای ناشی از محصولات هسته‌ای که از آن تاسیسات ساخته شده یا ارسال می‌شوند نیز خواهد شد.⁷

بهره بردار بر اساس این معاهده تنها در صورتی می‌تواند از این نوع مسئولیت معاف شود که خسارت‌های وارده بر اثر حادثه هسته‌ای در نتیجه اقدامات نظامی، جنگ داخلی، شورش یا حادثه طبیعی با توجه به خصوصیات استثنائی آن وجود داشته باشد.⁸ به عبارت دیگر بهره بردار در مقابل آن دسته از خسارت‌های ناشی از حادثه هسته‌ای مسئولیت محض دارد که داخل در کنترل یا تسلط وی باشد.

مبحث دوم: مسئولیت بین المللی دولت‌ها

از نظر منابع حقوق بین الملل اعم حقوق داخلی و معاهدات چند جانبه که در رابطه با فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول است، نشان می‌دهند که مسئولیت محض به عنوان یک اصل حقوق بین الملل به طور کلی پذیرفته شده است. یکی از سوالاتی که در

¹ The Vienna Convention on Civil Liability for Nuclear Damage (1963) Convention on Third Party Liability (1961), Third Party Liability in the field of Nuclear Energy, (1963) Convention on the Liability of Operators of Nuclear Ships, (1963)]²³¹ Vienna Convention art. IV(i).

² Id. at art. H(i).

³ کاتوزیان، ناصر، انصاری، مهدی، مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، ش ۲،

ص ۳۰۳، ۱۳۸۷

⁴ Id. at art. I(x) (c).

⁵ unless incident to shipment

⁶ Id. at art. I(i) (k).

⁷ Id. at art. II(x).

⁸ Id. at art. 9

این باره باید مدنظر قرار گیرد آن است که آیا صرفاً بهره بردار این نوع از فعالیت‌ها مشمول مسئولیت می‌شود یا آن که دولتی که آن فعالیت در حوزه حاکمیتش روی داده است، نیز در مقابل این اقدامات مسئولیت دارد؟

در فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول در صورتی که دولت به خود خود یا نماینده‌اش، این نوع از فعالیت‌ها را انجام دهد، مسئولیت محض بر عهده دولت قرار می‌گیرد.^۱ حتی اگر دولت خود بهره بردار این نوع از فعالیت‌ها نباشد نیز ممکن است از نظر بین‌المللی مسئول شناخته شود و این مسئولیت مربوط به خساراتی هست که بوسیله شرکت‌ها انجام شده و دولت اجازه انجام این نوع از فعالیت‌های خطرناک غیرمعمول را در حوزه حاکمیتی خودش داده باشد. البته تحلیل کلاسیک در این باره معتقد است که دولت نباید مستقیماً یعنی ابتدائاً برای این نوع فعالیت مسئول شناخته شود حتی اگر خسارات بین‌المللی باشد مگر آنکه دولت عمداً یا از روی بی‌احتیاطی مرتکب آن عمل شده باشد.^۲ لیکن این رویکرد سنتی در حقوق بین‌الملل بازتاب چندانی نیافته است خصوصاً در جایی که دولت خودش بهره بردار فعالیت خطرناک غیرمعمول باشد، به نظر این رویکرد در فرضی معتبر باشد، که شخص حقیقی بهره بردار این فعالیت باشد. لیکن حتی در این مورد نیز قرائن و دلایلی وجود دارد که تحلیل کلاسیک به مسئولیت دولت کافی نبوده، حتی اگر دولت خود بهره بردار فعالیت خطرناک غیرمعمول نباشد.^۳

ماده ۵ معاهده فضای ماورای جو مقرر می‌کند که: "دولت‌های طرفین معاهده باید مسئولیت بین‌المللی در مقابل فعالیت‌های داخلی ماورای جو را تحمل کنند ... اعم از اینکه فعالیت بوسیله نهاد های دولتی یا غیر آن انجام شده باشد." ^۴ بنابراین فارغ از اینکه این نوع فعالیت بوسیله دولت انجام شده یا نشده باشد، دولت ابتدائاً مسئول است و نسبت به خسارت‌های وارده در محدوده حاکمیتش که خصوصیت فراملی دارد به طور محض باید مسئول شناخته شود. علاوه بر این کنوانسیون‌هایی که در مورد اقدامات اتمی هستند، دولت را بدون استثنا مسئول تضمین پرداخت برای خسارت‌های ناشی از اقدامات هسته‌ای دانسته‌اند، در صورتی که بهره بردار نتواند پاسخگوی چنین ادعاهایی باشد.^۵ حتی اگر معاهدات چنین تکلیفی را برای تضمین پرداخت خسارت‌ها در نظر نمی‌گرفتند، مشخص است که هرگاه فعالیت خطرناک غیرمعمول در حوزه قضایی کشوری واقع شود، آن دولت از نظر بین‌المللی مسئول ادعاهایی هست که بر اثر حادثه هسته‌ای ایجاد شده است.

اگرچه خواهان در دعوایی که مبتنی بر مسئولیت محض باشد، احتمال بیشتری برای جبران خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های خطرناک خواهد داشت لیکن این نوع مسئولیت بدون تقصیر نیز دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که خواننده می‌تواند به آن استناد کند و این امر در مورد مسئولیت دولت در این زمینه نیز قابل استناد است. در این دسته از دعاوی، خواهان باید همچنان رابطه سببیت را با "ارائه اسنادی روشن" ^۶ ثابت کند.

رابطه سببیت در رابطه با فعالیت‌هایی خطرناک، ممکن است موضوع پی‌چیده‌ای می‌باشد. اقداماتی که چندین شخص به طور همزمان در آنها نقش داشته داشته‌اند، ممکن است برخی از آنها بی‌تقصیر باشند. برای مثال یک سایت هسته‌ای را در نظر بگیرید که در نزدیکی آن رآکتورهای هسته‌ای دیگری نیز قرار دارد، در صورتی که از سایت هسته‌ای سطوحی از مواد رادیواکتیو انتشار پیدا کند که مجاز باشد لیکن بر اثر مجاورت با دیگر رآکتورها، این سطح آلودگی به حد غیرمجاز و خطرناک برای سلامتی اشخاص برسد و موجب ضرر شود این مسئله قابل طرح است که می‌توان این خسارت‌ها را به بهره بردار سایت هسته‌ای

^۱ Nuclear Ships Convention arts. 1(4), II.

^۲ Id, I.C.J. Stat. art. 38,

^۳ D. O'Connell, International Law 592 (1970)

^۴ Space Liability Convention art. II.

^۵ Vienna Convention art. VII; OEEC Convention, Explanatory Memorandum para. 49; Nuclear Ships Convention art. M(2).

^۶ Trail Smelter Arbitration (United States and Canada), (1938)

نسبت داد یا خیر. ممکن است از منظر حقوق داخلی چنین پیشنهاد شود که مجموع این عوامل سبب زیان را تشکیل می‌دهند ولو آنه هر یک از آنها به طور جداگانه و به تنهایی سبب نباشند.¹

از منظر حقوق بین الملل، بررسی کنوانسیون‌های مشابه می‌تواند در این زمینه مفید باشد. کنوانسیون وین در این باره چنین مقرر می‌کند که: "هرگاه در خسارت‌های هسته‌ای مسئولیت به بیشتر از یک بهره بردار مربوط باشد، بهره بردار درگیر باید تا جایی که خسارت‌ها به آنها قابل انتساب است، به طور مشترک مسئول شناخته شوند".² به علاوه کنوانسیون آلودگی‌های نفتی چنین بیان می‌دارد که: "هرگاه نفت نشت شده یا تخلیه شده از دو کشتی یا بیشتر باشند و آلودگی بر اثر آنها باشد، مالکان همه کشتی‌های مربوطه، به طور مشترک نسبت به همه خسارات مسئولند مگر آنکه به طور جداگانه به هریک قابل انتساب باشند".³ با این وجود، مهم‌ترین محدودیت تحمیل مسئولیت محض بر دولت‌هایی که فعالیت خطرناک غیرمعمول در حوزه قضایی آنها روی داده است، بیشتر از آنکه مربوط به اثبات رابطه سببیت باشد، ناشی از ضعف ساختاری همه تئوری‌های مسئولیتی هست که با شرکت‌های صنعتی و تکنولوژی‌هایی مواجه هستند که امنیت جامعه بین المللی را تهدید می‌کنند. برای مثال مسئولیت دولت بر اساس تئوری مسئولیت محض ناشی از فعالیت‌های خطرناک، ممکن است به خوبی پذیرفته شود لیکن پاسخ عملی مناسبی در مقابل آن دریافت نشود. از نقطه نظر آن دولت ممکن است این نوع دیدگاه‌ها بیشتر نظری به نظر برسد یا اینکه هزینه‌های به حداقل رساندن ضرر برای آنها بسیار بیشتر از هزینه جبران ضرر به نظر رسد. البته در این نوع مسئولیت که بدون تقصیر می‌باشد، ممکن است محرکی برای دولت‌ها باشد تا اقدامات مراقبتی بیشتری را برای جلوگیری از ضرر انجام دهند.

مبحث سوم: مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال فوق‌العاده خطرناک به حوزه اپیدمی‌ها

مارشال برمن⁴، فیلسوف آمریکایی، در کتاب مشهورش، «تجربه مدرنیته» تلاش می‌کند تا با بررسی تجربه‌های مدرنیسم در اقصا نقاط جهان، معنای متناقض مدرنیسم را آشکار کند. او نشان می‌دهد که مدرنیته در کنار خوشیها و لذتهایش، دردها و ناگواریهایی را نیز برای بشریت ایجاد کرده است.⁵ در حقیقت، مدرنیسم همزمان می‌آفریند و نابود می‌کند. مدرنیسم، انسان را از وبا و طاعون نجات داد اما حالا اپیدمیهای ناشناخته‌ای همچون سارس و کووید - ۱۹ را مسلط بر جامعه بشری کرده است و به حکم عبارت لاتین «هر جا جامعه‌ای هست، حقوق هم وجود دارد»⁶، حقوق بین الملل باید برای این وضعیت جدید جامعه جهانی که ناشی از وقوع اپیدمیهای ناشناخته است، قواعدی کافی در اختیار داشته باشد.

این واقعیتی گریزناپذیر است که جامعه جهانی برای مقابله با تکرار اپیدمیها حداقل به مجموعه‌ای از قواعد مؤثر نیازمند است. «تعهد به پیشگیری» می‌تواند اولین و ساده‌ترین گزینه در این مسیر باشد.

به همین دلیل، یکی از اهداف اصلی مجموعه مقررات موسوم به «مقررات بهداشت جهانی»⁷ به شرح مندرج در ماده ۲ آن، «پیشگیری از شیوع جهانی بیماریهاست». «اما وقوع اپیدمیهای اخیر نشان داد که این قاعده» بهندرت قادر است همه خسارات

¹ Jon M. Van Dyke, "Liability and Compensation for Harm Caused by Nuclear Activities," Denver Journal of International Law and Policy 35, no. 1 (Winter 2006):p31

² Vienna Convention art. 11(3) (a). / 1933 Rome Convention art. 6; 1952 Rome Convention, art. 7

³ International Convention on Civil Liability for Oil Pollution Damage (1969) art, IV

⁴ Marshall Bermann.

⁵ مارشال برمن، تجربه مدرنیته، ترجمه مراد فرهادپور (تهران: طرح، ۱۳۹۷)، ۲۳.

⁶ Ubi societas, ibi ius.

⁷ International Health Regulations.

⁸ Article ۲ of IHRs (purpose and scope)

ناشی از بیماریهای اپیدمیک را مورد پوشش قرار دهد.^۱ «این واقعیت، ضرورت عزیمت به مجموعه قواعد متفاوتی را آشکار می‌سازد. روش وقوع دو اپیدمی اخیر، یعنی سارس و کووید - ۱۹ می‌تواند مسیر رسیدن به نظام حقوقی مناسبتر را نشان دهد. گزارش‌های علمی قابل توجهی نشان می‌دهند که هر دو این بیماریها منشأ غیرانسانی داشته و با بازار حیوانات وحشی مرتبط هستند.^۲ البته بر اساس همین گزارشها، نه فقط این دو بیماری، بلکه اکثریت قابل توجهی از اپیدمیها منشأ حیوانی دارند و از طریق مصرف گوشت یا تماس با حیوانات به انسان منتقل می‌شوند.^۳ در عالم حقوق بین الملل ممنوعیت معاهده ای و عرفی کامل و مطلق درباره خرید، فروش و مصرف گوشت حیوانات وحشی دیده نمی‌شود. کنوانسیون‌های موجود از جمله کنوانسیون تنوع بیوزیستی یا کنوانسیون سایتس که مرتبطترین رژیم معاهداتی راجع به خرید و فروش حیوانات وحشی هستند، صرفاً محدودیتها و ممنوعیت های مضیقی را وضع کرده اند. باتوجهبه تأثیرات ناشناخته برخی اقدامات اکولوژیک بشری، بعید نیست که سایر فعالیتهای منع نشده بشری نیز بتواند با ایجاد جهش در ویروسها زمینه ایجاد اپیدمیهای دیگری را فراهم کند.^{۱۲} بهاین ترتیب، ارتباط میان برخی اپیدمیها و فعالیتهای منع نشده در حقوق بین الملل فرصت مغتنمی برای طرح رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده به عنوان یک رژیم حقوقی مناسب برای مقابله با بیماریهای اپیدمیک است. این نوع رژیم، برخلاف رژیم مسئولیت بابت اعمال متخلفانه که مبتنی بر ارتکاب فعل یا ترک فعل متخلفانه است، ارتباطی با تخلف نداشته و صرفاً با وقوع زیان یا خسارت قابلیت اجرا پیدا می‌کند. کمیسیون حقوق بین الملل (زین پس کمیسیون) از سال ۱۹۸۷ بررسی مسئولیت بابت اعمال منع نشده را در دستور کار قرار داد و بعد از مناقشه های بسیار آن را در سال ۲۰۰۱ به پیشگیری از خسارت فرامرزی محدود کرد. یکی از اصلیترین موانع پیشرفت در کار کمیسیون به این واقعیت مربوط بود که مسئولیت دولتها بابت هرگونه خسارت در حقوق بین الملل بیآنکه تخلفی وجود داشته باشد، جایگاه با ثباتی ندارد.

با وجود این، برخی نظریه ها و رویه های قابل اتکا در حقوق بین الملل به سود احراز مسئولیت بابت اعمال منع نشده ای که زیانهای فوق العاده خطرناک به همراه دارند، دیده می‌شود. این نوع زیانها به تفصیل در این پژوهش مورد تعریف قرار خواهند گرفت اما شایسته توجه است که رویه های موجود درباره مسئولیت بابت اعمال فوق العاده خطرناک، به طور کلی متوجه خطرات زیست محیطی است. اما همانطور که کمیسیون اعلام می‌کند رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده فقط محدود به محیط زیست نیست.^۴ وانگهی دیوان بین المللی دادگستری نیز به صراحت تأکید دارد که محیط زیست یک مفهوم در خلأ نیست بلکه نمایانگر فضای زندگی، کیفیت زیست و همچنین سلامتی انبای بشر است.^۵ به همین دلیل، این پژوهش قصد دارد تا به طور مشخص این موضوع را بررسی کند که نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده تا چه اندازه نسبت به اپیدمیها قابلیت اجرا دارد. مزیت استفاده از این نظام در این واقعیت نهفته است که برای پاسخگو نمودن دولت/ دولت‌های مسؤول، نیاز به اثبات وقوع مسأله بسیار چالش برانگیز تخلف نیست. در بخش نخست این پژوهش، جایگاه رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده در حقوق بین الملل مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش، توضیح داده می‌شود که چرا رابطه صرفاً دوگانه مسئولیت/نقض تعهد متناسب با جهان در هم تنیده کنونی نیست و به الگوی دیگری از مسئولیت نیاز است. در همین بخش، با توضیح و تعریف مفهوم اعمال فوق العاده خطرناک به عنوان شاخص‌ترین عمل موجود در حوزه مسئولیت پیشگفته، به تفصیل بررسی می‌شود

^۱. بادینی، حسن، عباسی، سمیه، ۱۳۹۷، مجله حقوق تطبیقی، "بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق"، ش ۱۰۹، ص ۱۶

^۲. Kenji Mizumoto et.al, "Effect of a wet market on coronavirus disease (COVID-19) transmission dynamics in China 2019-2020", International Journal of Infectious Disease 97 (2020), 96-101.

^۳. L.F. Wang & G Cramer, "Emerging Zoonotic Viral Diseases", Revue scienti que et technique^{۳۳}

^۴. ILC Yearbook, 1981, 224.

^۵. ICJ Rep, 1996, p. 241, para.29.

که آیا فعالیتهای موجد اپیدمیها را می‌توان ذیل مفهوم اعمال فوق العاده خطرناک قرار داد یا خیر. بعد از پاسخ مثبت به این سؤال، در بخش دوم، نسبت عناصر رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده فوق العاده خطرناک و اپیدمیها بررسی شده و چالشهای موجود در این زمینه پاسخ داده می‌شوند.

گفتار اول: مسئولیت بابت اعمال منع نشده و تحول در جهان لوتوسی حقوق بین الملل

این یک اصل کلاسیک حقوق بین الملل است که دولتها جز در مواردی که منع شده‌اند، مجازند به گونه ای که خود می‌خواهند، رفتار کنند.¹

این سنت به جا مانده از ترکیب پوزیتیویسم حقوقی و قرائت آلمانی از دکترین اصالت اراده در حقوق بین الملل که در قالب قاعده لوتوسی متجلی شده است²، منطقاً نباید باعث مسئولیت از هر نوعی درباره آن دسته از اقدامات دولتها شود که ممنوعیت عرفی یا معاهدهای در قبال آنها وجود ندارد. چراکه بر اساس رأی صادره در قضیه لوتوس، محدودیت بر دولتها امر مفروضی نیست.³ با وجود برخی تلاشها مبنی بر ارائه تفسیری متفاوت از قضیه لوتوس⁴ اما نزدیکترین معنا از آن رأی در این یافته نضج گرفته که اراده دولتها، معیار و نشانه وجود حقوق بین الملل تلقی می‌شود.⁵ بنابراین، این قاعده، متضمن آن است که دولتها فقط نسبت به آن دسته از تعهداتی که به اراده خودشان آن را پذیرفته‌اند، مسئولیت دارند. این واقعیت، تبعات عملی قابل توجهی یدک می‌کشد. یکی از جدیترین این تبعات که در ماده دوم پیشنویس مسئولیت دولتها بابت اعمال متخلفانه منعکس شده است، مبین آن است که دولتها فقط نسبت به آن دسته از اعمالی مسئولیت دارند که مغایر با تعهداتشان باشد. این ساختار توضیح می‌دهد که رابطه‌ای نزدیک میان مسئولیت و عمل متخلفانه بین المللی وجود دارد. اما مسئولیت در حقوق بین الملل محدود به این رابطه نبوده و مسیر دیگری را نیز پشت سر گذاشته است.

بند اول: عزیمت از رویکرد دوگانه مجاز بودگی / ممنوعیت در حقوق بین الملل

برای اجتماع⁶ بین المللی صرفاً وستفالیایی، ساختار بنا شده بر نقض تعهد/ مسئولیت که در رأی لوتوس متبلور شده است، کاملاً پاسخگو بود. هرچند مفاد این رأی نزدیک به یک قرن بعد نیز به صراحت در قضیه مشروعیت کاربرد سلاحهای اتمی «تکرار⁷ و منطق آن در قضیه» کوزوو مورد استفاده قرار گرفت⁸ اما برای جهانی که هرچه بیشتر در هم تنیده شده و در قالب جامعه جهانی⁹ نمود یافته¹⁰ چنین دیدگاهی همانطور که «برونو سیمما»¹¹، قاضی سابق دیوان بین المللی دادگستری توصیف کرده

¹. Hugh Handeyside, "The Lotus Principle in ICJ Jurisprudence: Was the Ship Ever Afloat?", Michigan Journal of International Law 29 (2007), 71-94.

². Stephane Beaulac, "The Lotus Case in Context: Sovereignty, Westphalia, Vattel and Positivism", in The Oxford Handbook of Jurisdiction in International Law, ed Allen Pellet et al, (Oxford: Oxford University Press, 2019), 40- 59.

³. PCIJ, Lotus Case, 1927, p. 18.

⁴. An Hertogen, "Letting Lotus Bloom", EJIL 26 (2016), 901- 936.

⁵. بادینی، حسن، عباسی، سمیه، 1397، مجله حقوق تطبیقی، "بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق"، ش 109، ص 23.

⁶. Society.

⁷. ICJ Rep, 1996, p.238, para. 21.

⁸. ICJ Rep, 2010, p. 436, para. 79.

⁹. Community.

¹⁰. علیرضا ابراهیم گل، اقدامات متقابل و مسئولیت ناشی از منافع جمعی (تهران: نشر خرسندی، ۱۳۹۱) ۸۰.

¹¹. Bruno Simma.

است، باید به عنوان «دیدگاهی کهنه در حقوق بین الملل» به شمار آید.^۱ در حقیقت، هر چقدر از یک اجتماع بین المللی مبتنی بر تقابل و روابط صرفاً دوجانبه به سمت یک جامعه بین المللی دارای ظرفیتهای بیشتر همگرایی حرکت کنیم، لازم است که از دیدگاهی صرفاً تکجانبه فاصله گرفته و به دیدگاهی متمایل به تعقیب منافع جامعه جهانی در کل نزدیک شد.^۲ اگرچه جامعه بین المللی هنوز تا اندازه زیادی متأثر از جهان وستفالیایی است، اما رگه های گذار از این جهان به خوبی در حقوق بین الملل قابل رهگیری است.

مثلاً ظهور قواعد آمره یا ارگامنس از جمله این نشانه ها است.^۳ چرا که زیست در جامعه - و نه اجتماع - بین المللی نیازمند نگرشی فراملی و توجه به منافع دیگر دولتهاست که بهخوبی در قالب تعهدات آمره وارگامنس تجلی پیدا کرده است.^۴ در این فضا، دولت ها نمی توانند صرفاً بر این مبنا که هیچ محدودیت پوزیتیویستی در مقابل آنها وجود ندارد، رفتار کنند. در حقیقت، منافع جامعه جهانی که نوعاً در جریان فجایعی همچون اپیدمیها به شدت به خطر می افتد بدل به جدیدترین محدودیت برای عمل دولتها می شود بی آنکه صراحتاً به صیانت از چنین منافعی رضایت داده باشند.^۵ پس بیدلیل نیست که گفته شده است، پیشگیری از وقوع اپیدمیها، هرچند که صراحتاً بر عهده دولتها قرار نداشته باشد، «برای گذار از نظم وستفالیایی که حامی منافع مضیق دولتهاست، ضروری به نظر می رسد. در این مسیر دولتها باید بابت خسارات ناشی از این دسته از بیماریها مسؤول باشند، حتی اگر مرتکب تخلفی بین المللی نشده باشند.»^۶ این مسئولیت که برخلاف مسئولیت بابت اعمال متخلفانه، مبتنی بر فعل متخلفانه نیست و با عنوان مسئولیت بابت اعمال منع نشده شناخته می شود، دارای جایگاه مشخصی در معاهدات بین المللی است. یکی از مهمترین این معاهدات، «معاهده فضای ماورای جو»^۷ است که در ماده ۶، دولت ها را بابت خسارات ناشی از فعالیتهای منع نشده شان در فضای ماورای جو مسؤول شناخته است، فارغ از اینکه این اعمال توسط دستگاههای دولتی انجام شده باشد یا نهادهای غیر دولتی. عبارتپردازی مشابهی در ماده ۴۱ «موافقتنامه کره ماه»^۸ قابل مشاهده است. در همین حال، ماده ۴ «کنوانسیون مسئولیت بابت خسارات ناشی از اجرام فضایی»^۹ با جزئیات بیشتری، مسئولیت مشترک و جداگانه ناشی از خسارات ایجاد شده در اثر فعالیتهای منع نشده طرفهای دولتی و خصوصی را بر عهده دولت مربوطه قرار داده است. «کنوانسیون لندن»^{۱۰} که ناظر بر جلوگیری از آلودگیهای دریایی است در مواد ۱ و ۲ خود، به همین روش، مسئولیتی را متذکر

۱. ICJ Rep, 1996, p.478.

۲. Santiago Villapando, "The Legal Dimension of the International Community: How Community Interests Are Protected in International Law", EJIL 21 (2010), 392.

۳. قاسم زمانی، «توسعه مسئولیت بینالمللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست»، پژوهشهای حقوقی ۱ (۱۳۸۱) ۳۸.

۴. مهدی حدادی، تحول در اجرای مسئولیت بینالمللی دولتها (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۰) ۵۱.

۵. Siamak Karimi, "Liability of State of Origin Regarding the Outbreak of Epidemics", in International Law and Epidemics, ed. Shinya Murase, (Hague: The Hague Academy of International Law, 2021), 599.

۶. David Fidler, "SARS: Political Pathology of the First Post-Westphalian Pathogen", The Journal of Law, Medicine & Ethics 3 (2003), 486.

۷. Treaty on Principles Governing the Activities of States in the Exploration and Use of Outer Space, 1967, UNTS Vol.610, p.205.

۸. Agreement governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies, 1979, UNTS Vol.1363, p.3.

۹. Convention on the International Liability for Damage Caused by Space Objects, 1972, UNTS Vol.96, p.187.

۱۰. UNTS Vol.1046, p.120. (article I & X).

۱۱. Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, of International

شده است که اساساً ارتباطی با عمل متخلفانه ندارد. ایننوع مسئولیت در اسناد و معاهدات دیگری نیز ذکر شده است.¹ کثرت معاهدات بین المللی چندجانبه که پذیرای مسئولیت بابت اعمال منع نشده هستند باعث شده که حتی برخی نویسندگان مدعی شوند که معاهدات فوق، نقش رویه در پدیداری عرف بین المللی را ایفا کرده و نتیجه گیری کرده‌اند که این نوع مسئولیت به درجه عرف بین المللی رسیده است.² همانگونه که در ادامه بررسی می‌شود، مسئولیت بابت اعمال منع نشده، به جز معاهدات در سایر منابع حقوق بین الملل نیز وجود دارد، اما نکته مهم آن است که این نوع مسئولیت، هر نوع زیانی را شامل نمی‌شود و حدی از شدت و سنگینی خسارات وارده لازم است. به هر تقدیر، پدیداری این نوع مسئولیت در حقوق بین الملل نشان دهنده آن است که دوگانه مجازبودگی / ممنوعیت در حقوق بین الملل همانند سابق معتبر نیست.³ به عبارت دیگر، این نوع از مسئولیت نشان می‌دهد برای آنکه دولتها در قبال اعمالشان پاسخگو باشند، لازم نیست که ضرورتاً یکی از تعهدات سابق خود را نقض کرده باشند. در عوض، موقعیتهایی وجود دارد که به صرف ایراد خسارت - شدید - به کشورهای دیگر، سازکار الزامی پاسخگویی دولت مربوطه عملیاتی می‌شود. البته باید توجه داشت، با وجود آنکه ضرورت‌های جامعه مدرن و به هم پیوسته کنونی، مفهوم مسئولیت بابت اعمال منع نشده را برجسته کرده است اما همانطور که «خولیو باربوزا»⁴، گزارشگر دوم کمیسیون در خصوص مسئولیت بابت اعمال منع نشده می‌نویسد، این نوع از مسئولیت از یکی از اساسیترین اصول حقوق بین الملل یعنی «اصل حاکمیت سرزمینی دولتها» نشأت گرفته است؛ چراکه مسئولیت بابت اعمال منع نشده تلاش می‌کند تا حاکمیت دولتها بر سرزمینشان را از هرگونه زیانی، حتی اگر ناشی از اعمال منع نشده باشد، صیانت کند.⁵ اما برخلاف آنچه باربوزا می‌نویسد، دولتها بابت «هرگونه زیان» و «ورای عمل متخلفانه شان، مسؤول نیستند؛ بخش بعدی این پژوهش، به طور خاص این موضوع را واری می‌کند که کدام دسته از اعمال و زیانها تحت این نوع مسئولیت قرار دارد تا نتیجه گیری کند که آیا اعمال موجد اپیدمیها تحت شمول این نوع از مسئولیت قرار دارند یا خیر.

بند دوم: قلمرو موضوعی مسئولیت بابت اعمال منع نشده

موضوع مسئولیت بابت اعمال منع نشده، از همان ابتدای طرح در کمیسیون، مسأله ای مناقشه برانگیز بود. عمده دلیل این تنش در کمیسیون به این واقعیت مربوط می‌شد که این نوع از مسئولیت به اندازه کافی در حقوق عرفی توسعه پیدا نکرده است. به هنگام فعالیت کمیسیون بر این موضوع، با وجود آنکه بسیاری از دولتها از این دیدگاه حمایت می‌کردند که زیان‌دیده فعالیت‌های قانونی کشورهای دیگر «نباید بدون جبران باقی بماند» اما در عوض با این موضوع که دولتها بابت هر نوع زیانی مسؤول باشند، مخالف بودند.⁶ این موضع از جانب دولتها منطقی بود. آن‌ها حاضر نبودند با توجه به تنوع فعالیت‌هایی که می‌تواند به زیان منجر شود، خود را در معرض ادعاهای مختلف و بی انتها قرار دهند. برای عبور از مخالفت‌های دولتها با مفهوم

¹. از جمله نک به معاهده موسوم به «موافقت نامه نجات» و همچنین پروتکل مادرید (۲۰۰۵) در خصوص فعالیتها در منطقه قطب جنوب و همچنین کنوانسیون تخلیه زباله در دریا نیز مسؤولیت جبران خسارات فعالیت‌های موضوع این اسناد را برعهده دولت مربوطه قرار داده است.

². Gary Scott, & Craig Carr, "Multilateral Treaties and the Formation of Customary International Law", *Denver Journal of International Law & Policy* 25 (2016), 41.

و همچنین نک: محسن عبداللہی، «رویکردهای نظام مسئولیت بینالمللی در جبران خسارات ناشی از اعمال منع‌نشده در حقوق بینالملل»، تحقیقات حقوقی ۶۵ (۱۳۹۰)، ۲۲۳.

³. J. Frowein, "Kosovo and Lotus", in *From Bilateralism to Community Interest: Essays in Honour of Judge Bruno Simma*, ed. R Geiger et.al, (Oxford, Oxford University Press, 2011), 930.

⁴. Julio Barboza.

⁵. ILC Yearbook, 1986 (II,I), p.157, para.52.

⁶. ILC Yearbook, 2004 (II,II), p. 66, para.3

مسئولیت بابت اعمال منع نشده، دو گزارشگر ابتدایی کمیسیون یعنی کوئنتین باکستر^۱ و خولیو باربوزا، دو رویکرد کاملاً متفاوت را در پیش گرفتند که توجه به این دو رویکرد می‌تواند به خوبی قلمرو موضوعی مسئولیت بابت اعمال منع نشده را آشکار کند.

اول: رویکرد باکستر: تمسک به تعهدات اولیه

کوئنتین باکستر و شماری از نویسندگان دیگر^۲ اعتقاد داشتند که مسئولیت بابت اعمال منع نشده، برخلاف مسئولیت بابت اعمال متخلفانه اساساً در دسته قواعد اولیه قرار می‌گیرد، چراکه تعهدی اولیه بر عهده دولتها قرار دارد که از ایراد زیان به سایر تابعان حقوق بین الملل خودداری نمایند.^۳ این ایده تا آنجا پیش رفت که تبار حقوقی مسئولیت بابت اعمال منع نشده را در اصل جامع‌تر دیگری به نام «منع آسیب رساندن»^۴ قرار دادند؛ اصلی که تباری طولانی در حقوق بین الملل دارد و به عنوان یکی از اصول عمومی این نظام حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است.^۵ این اصل متضمن آن است که دولتها باید مانع از آن شوند که استفاده از سرزمینشان، به ایراد خسارت به دولتهای دیگر منجر شود.^۶ دیوان بین المللی دادگستری نیز در قضایای مختلفی این اصل را به کار برده^۷ و این الزام در اصل ۱۲ اعلامیه استکهلم^۸ و اصل ۲ اعلامیه ریو^۹ نیز قابل مشاهده است. بنابراین، تردیدی نسبت به وجود چنین قاعده‌های در حقوق بین الملل وجود ندارد اما در ابتدای مسئولیت بابت اعمال منع نشده بر اصل «منع آسیب رساندن» باید درنگ کرد. اگر این اصل مبنای این نوع از مسئولیت باشد، آنگاه اگر دولت مربوطه تمامی اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع زیان را انجام داده باشد و با وجود این، زیان رخ دهد، هر نوعی از پاسخگویی از عهده دولت مربوطه رفع خواهد شد.^{۱۰} چراکه همانطور که دیوان در قضیه نسلکشی (بوسنی علیه صربستان) تأکید دارد، تعهدات راجع به پیشگیری از زیانی خاص از جنس «تعهد به فعل»^{۱۱} بوده و در نتیجه، به این معنا نیستند که عدم اجرای آن تعهد، در هر حال به دولت مربوطه منتسب است.^{۱۲}

کمیسیون نیز صراحتاً تأکید دارد که تعهد به پیشگیری هرگز به معنای تضمین عدم وقوع زیان نیست؛ بلکه این تعهد، به معنای به کارگیری همه مساعی لازم در قالب «مراقبت مقتضی» است.^{۱۳} بنابراین، اگر مبنای مسئولیت بابت اعمال منع نشده، اصل منع آسیب رساندن باشد، عملاً نهاد مسئولیت بابت اعمال منع نشده وجود مستقل نخواهد داشت. چراکه با نقض تعهد به منع

^۱ Quentin-Baxter

^۲ Jan Albers, Responsibility and Liability in the Context of Transboundary Movements of Hazardous Wastes by Sea (New York: Springer, 2015), 49.

^۳ ILC Yearbook, 1980 (II,I), 253.

^۴ مسعود علیزاده و شهرام زرنشان، «بحران کووید-۱۹ و اصل تلاش بایسته در حقوق بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق عمومی ۷۶، (۱۳۹۹) ۷۲.

^۵ No-harm principle.

^۶ Neil Craik, The International Law of Environmental Impact Assessment Process, Substance and Integration (Cambridge: Cambridge University Press, 2008), 60.

^۷ از جمله بنگرید به این قضایا:

ICJ Rep, 1949, p.22; ICJ Rep, 1997, p. 41, para.53; ICJ Rep, 1996, p.241, para.271; ICJ Rep 2010, p.55, para.101; ICJ Rep, 2015, p.706, para, 104.

^۸ United Nations Conference on the Human Environment (Stockholm Declaration) 1972.

^۹ Rio Declaration on Environment and Development 1992.

^{۱۰} Ipshta Chaturvedi, "China's State Responsibility for the Global Spread of COVID-19: An International Law Perspective", ORF Issue Brief 373 (2020), 3.

^{۱۱} Obligation of conduct.

^{۱۲} ICJ Rep, 2007, pp. 220-221, paras.429-430.

^{۱۳} ILC Yearbook, 2001 (II.II), 2001, p. 154, para.7.

آسیب نرساندن، قواعد مسئولیت بابت اعمال متخلفانه اجرا می‌شود و عملاً جایی برای نهاد مسئولیت بابت اعمال منع نشده باقی نمی‌ماند. بنابراین این نوع از مسئولیت چیزی بیش از یک تعهد اولیه به آسیب نرساندن است و با وقوع زیان برقرار می‌شود فارغ از اینکه دولت مربوطه اقدامات لازم برای پیشگیری را انجام داده باشد یا خیر.

دوم: رویکرد باربوزا: تمسک به مفهوم اعمال فوق العاده خطرناک

خولیو باربوزا اعتقاد داشت که مسئولیت بابت اعمال منع نشده فوق العاده خطرناک، به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین الملل جریان دارد چراکه به زعم وی، چنین مسئولیتی در همه نظامهای حقوقی متمدن جهان وجود دارد.^۱ برخی نویسندگان نیز با او هم‌نظر بودند^۲ یا اینکه حداقل این ایده را رد نکرده اند.^۳ علاوه بر این، «مؤسسه حقوق بین الملل^۴ در ماده ۴ قطعنامه‌اش در خصوص» مسئولیت بابت اعمال متخلفانه و مسئولیت بابت اعمال منع نشده در حقوق بین الملل^۵» به صراحت اعلام می‌دارد: «قواعد حقوق بین الملل ممکن است باعث ایجاد مسئولیت محض برای دولتها شود ... این نوع از مسئولیت عموماً مناسب فعالیتهای فوق العاده خطرناک هستند».^۶

به تصریح مؤسسه، فعالیتهای دولتها حتی اگر متضمن نقض تعهد نباشد، ممکن است منجر به مسئولیت چنین دولتی شود اگر در اثر این فعالیت قانونی به کشور دیگری زیان وارد شود.^{۸۷}

علاوه بر این، مواضع و رویدادهای مختلفی از سوی برخی نویسندگان به عنوان نشانه‌های از وجود مسئولیت بابت اعمال منع نشده فوق العاده خطرناک مورد استناد قرار گرفته است.^{۶۳} که این پژوهش قصد تکرار همه این مواضع و رویدادها را ندارد. آنچه از میان همه این موارد قابل استنباط است این یافته است که دولتها خواه به صورت جمعی یا فردی، به هنگام واکنش به اعمال فوق العاده خطرناک از مخالفت سابق خود با مسئولیت بابت اعمال منع نشده کاسته و در مواردی صراحتاً آن را مورد پذیرش قرار داده اند.

قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره «اصول مربوط به استفاده از انرژی اتمی در فضای ماورای جو»^۹ که در سال ۱۹۹۳ با اجماع مورد پذیرش دولتها قرار گرفت، یکی از این موارد است. اصول ۸ و ۹ این قطعنامه صراحتاً متذکر مسئولیت منع نشده برای دولت مباشر فعالیتهای مندرج در قطعنامه شده است. اینکه این سند، مصوبه مجمع عمومی است از اهمیت حقوقی آن نمی‌کاهد چراکه حتی اگر به یافته دیوان در قضیه نیکاراگوئه^{۱۰} باور نداشته باشیم که آرای موافق دولتها به قطعنامه های مجمع عمومی می‌تواند نشان دهنده پدیداری عرف بین المللی باشد، اما انکار شدنی نیست که «توسعه حقوق بین الملل

^۱. Julio Barboza, "International liability for the injurious consequences of acts not prohibited by international law and protection of the environment", Recueil des cours 293 (Hague: The Hague Academy of International Law, 1994), 346.

^۲. Craik, The International Law, 66.

^۳. Philippe Sands et al, Principles of International Environmental Law, (Cambridge: Cambridge University Press, 2013), 712.

^۴. Institute of International Law.

^۵. Institute of International Law, Responsibility and Liability under International Law for Environmental Damage, Resolution adopted on September 4, 1997.

^۶. Ibid., article 4.

^۷. از جمله نک:

Sands et al, op.cit., 718 et seq.

^۸. Ibidem.

^۹. UNGA Res. A/Res/47/68, 14 December 1992

^{۱۰}. ICJ Rep, 1986, p. 99, para.188.

می‌تواند در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد انعکاس یابد.^۱ «ضمن آنکه، قطعنامه فوق، دومین رویه‌ای است که دولتها به طور جمعی مسئولیت بابت اعمال فوق العاده خطرناک را مورد پذیرش قرار می‌دادند. پس از انفجار ۱۹۸۶ نیروگاه اتمی چرنوبیل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پرسش نامه‌هایی از دولتها خواست تا پاسخ دهند که در مورد جبران خسارت حوادث اتمی، چه رژیمی از مسئولیت باید برقرار باشد. اکثریتی از ۲۳ دولتی که به آژانس پاسخ دادند، با مسئولیت محض بابت فعالیتهای اتمی موافق بودند.^۲

در رویه قضایی نیز اگرچه فرصت اندکی برای حمایت از مسئولیت بابت اعمال منع نشده وجود داشته اما مواردی قابل اشاره در این زمینه مطرح هستند. قضیه تریل اسملتر^۳ مشهورترین نمونه در این زمینه است؛ این قضیه به خسارات وارد به کشاورزان آمریکایی در اثر گسترش گازهای سولفور ناشی از کارخانه تریل اسملتر در کانادا مربوط می‌شد. داوران در این قضیه اعلام کردند: «اگر هر نوع خساراتی ... در آینده ایجاد شود، غرامات باید پرداخت شود فارغ از اینکه خسارات در اثر قصور کارخانه اسملتر باشد یا رعایت قوانین و مقررات.^۴ بنابراین، داوری تریل اسملتر تمایلی به پذیرش این مسئولیت را نشان داده است.^۵ علاوه بر این، رویه «دیوان دعاوی اتمی جزایر مارشال» که میان آمریکا و جزایر مارشال تأسیس شد تا به دعاوی قربانیان ناشی از آزمایشهای اتمی آمریکا در جزایر مارشال رسیدگی کند، قابل بحث است. این دیوان در ۲۰۰۲ اعلام می‌کند که آمریکا بابت خسارات ناشی از آزمایشهای اتمی‌اش در حد فاصل سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۶ مسئولیت دارد، بدون آنکه متعرض نقض تعهدهای آمریکا شود.^۶ آنچه در همه این موارد مشترک است نوع خطری است که اقدامات حقوقی فوق‌ناظر به آنهاست. در حقیقت زمانی که دولتها با زیان فوق العاده خطرناک رو بهرو بوده‌اند، راحت‌تر با مسئولیت بدون فعل متخلفانه کنار آمده‌اند. بنابراین، تردیدها نسبت به وجود نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده کمتر قابل پذیرش هستند. در نتیجه، مسئولیت محض، مفهومی بیگانه در حقوق بین‌الملل نیست. شباهت‌ها میان اعمال فوق العاده خطرناک و اعمال منجر به اپیدمی‌ها می‌تواند مبنایی باشد تا مسئولیت بابت اعمال فوق العاده خطرناک به قلمرو اپیدمی‌ها توسعه یابد. اما پیش از آن ضروری است که مشخص شود که آیا تعریف اعمال فوق العاده خطرناک قابلیت تسری به اعمال منجر به اپیدمی‌ها را دارد یا خیر.

گفتار دوم: اپیدمی‌ها و عناصر اجرای نظام مسئولیت بابت اعمال منع نشده فوق العاده خطرناک

همانطور که کمیسیون اعلام نموده اجرای مسئولیت بابت اعمال منع نشده نیاز به تحقق برخی معیارها دارد.^۷ این بخش، این معیارها را نسبت به اعمال منجر به بیماری‌های اپیدمیک بررسی می‌کند تا مشخص شود که این بیماری‌ها تا کجا تحت پوشش این نوع از مسئولیت قرار می‌گیرند. به این ترتیب، به جاست مشخص شود که برای آغاز مسئولیت بابت اعمال منع نشده لازم است فعالیت خاصی وجود داشته باشد فلذا اپیدمی‌های اتفاقی (یعنی بدون وجود یک نوع عمل پیشینی) تحت پوشش این مسئولیت قرار ندارند. (بخش ۱-۲) سپس نوبت به بررسی مسأله سببیت می‌رسد (بخش ۲-۲) و در نهایت موضوع انتساب از نظر گذرانده می‌شود. (بخش ۳-۲)

1. Cancado Trindade, International Law for Humankind: Towards a New Jus Gentium (I), Recueil des cours 316, (Hague: The Hague Academy of International Law, 2005), 167.

2. IAEA, GOV/INF/550, pp.2-5.

3. Trail smelter.

4. Trail smelter case, Reports of International Arbitral Awards, Vol.III, p, 1980.

5. Victoria Hartke, "The International Fallout from Chernobyl", Dickinson Journal of International Law (1987), 336.

6. Sands et al, op.cit., 720.

7. ILC Yearbook, 2001 (II,II), p. 150, para.6.

بند اول: معیار فعالیت خاص

در این بخش ابتدا بررسی می‌شود منظور از فعالیتی که می‌تواند تحت شمول رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده قرار گیرد، چیست. بعد از آن، این پرسش واکاوی می‌شود که چرا اپیدمیهای تصادفی نمی‌توانند به مسئولیت دولت مربوطه منجر شوند.

اول: گونه شناسی فعالیت منجر به مسئولیت

کلمه فعالیت در مواد ۱، ۲ و ۶ پیشنویس سال ۲۰۰۱ کمیسیون در خصوص پیشگیری از زیان فرامرزی، عمداً جایگزین کلمه اعمال^۱ شد چراکه واژه فعالیت هم شامل اقدامات طرفهای خصوصی می‌شود و هم دولتی.^۲ اما عمل عنوانی است که صرفاً برای توصیف اقدامات دولتی در حقوق بین الملل کاربرد دارد.^۳ در حقیقت برخلاف رژیم مسئولیت بابت اعمال متخلفانه که جز در پاره ای موارد استثنایی محدود به اقدامات منتسب به دولت است، رژیم مسئولیت بابت اعمال منع نشده شامل اقدامات طرفهای خصوصی نیز می‌شود. به هر روی، وجه مشترک این دو واژه (فعالیت و عمل) آن است که هر دو ناظر بر اقداماتی هستند که « منشأ انسانی»^۴ دارند^۵ یعنی مستقیماً توسط انسان یا نهادهایی به واسطه انسانها رخ می‌دهند.^۶ بنابراین، روشن است که آن دسته از اپیدمیهایی که ناشی از فعالیتی خاص هستند، می‌توانند باعث مسئولیت دولت منشأ شوند. در نتیجه، دولت چین می‌تواند بابت وقوع بیماری سارس واجد مسئولیت باشد چراکه شماری از تحقیقات علمی ارتباط میان این بیماری با بازار حیوانات وحشی در استان « گوانگدونگ»^۷ چین را اثبات کرده است.^۸ منطق تحمیل مسئولیت بر دولتی که میزبان چنین فعالیتهای مخاطره آمیزی است بر این فرض قرار دارد که دولت منشأ از چنین فعالیتی سود می‌برد، اما مهمترین چالش در خصوص اپیدمیهای وجود دارد که نمی‌توان آنها را به فعالیتی خاص نسبت داد.

دوم: وضعیت اپیدمیهای اتفاقی

برخی اپیدمیها ممکن است نه در اثر فعل یا ترک فعل دارای منشأ انسانی بلکه صرفاً به دلیل جهش در ویروس‌ها و باکتریها رخ دهد. همچنین گزارش شده که در پاره ای از موارد، اپیدمی‌ها در اثر فجایع دیگری از جمله زمین لرزه ها، وقوع سیلابها و ... پدیدار شده اند.^۹ حتی در آن دسته از مواردی که احتمال دارد تحقیقات، علت واقعی اپیدمیها را فاش کند به ناچار داده های اصلی در اختیار دولتی است که با عنوان دولت منشأ شناخته می‌شود^{۱۰} و احتمال ایجاد انحراف عمدی در این تحقیقات از سوی چنین دولتی بعید نیست. مثلاً برخی گزارشها ادعا می‌کنند که دولت چین مانع از تحقیقات مستقل درباره تعیین منشأ کووید -

^۱. Acts.

^۲. Albers, Responsibility, 46-47.

^۳. Betina Kuzmarov, Unilateral Acts: A History of a Legal Doctrine (London: Routledge, 2018), 84.

^۴. Human Causation.

^۵. ILC Yearbook, 2006 (II,II), p. 62, para.5.

^۶. N Horbach, "The Confusion About State Responsibility and International Liability", Leiden Journal of International Law 4 (2016), 62.

^۷. Guangdong.

^۸. Stacey Knobler et al, Learning from SARS: Preparing for the Next Disease Outbreak (Workshop Summary), (Washington: National Institute of Health, 2004), 110.

^۹. Adam Felman, "What to Know About Pandemics?", Medical News Today, (02 Aug 2020), <https://www.medicalnewstoday.com/articles/148925>. (Accessed 10 Aug 2020).

^{۱۰}. Ronen Perry, "Who Should be Liable for the Covid-19 Outbreak", Harvard Journal on Legislation(2020), 41.

۱۹ شده است.^۱ واقعیت آن است که انتساب مسئولیت ناشی از اپیدمیها به دولت منشأ در غیاب فعالیتی خاص بسیار دشوار است. در حقیقت، نهاد مسئولیت محض به خودی خود در حقوق بین الملل چالش برانگیز است، چه برسد به اینکه بخواهیم آن را به زیانهای که قابل انتساب به فعالیت خاصی نیستند، تسری دهیم. به همین دلیل گفته شده است که بابت «اعمال قاهره که منشأ انسانی ندارند، اجرای مسئولیت بابت اعمال منع نشده امکانپذیر نیست.»^۲ در عمل هم خطرات احراز مسئولیت در خصوص اپیدمیهای که نمی‌توان با قطعیت آن را به عمل خاصی نسبت داد، بیشتر از عدم احراز آن است چرا که در چنین وضعیتی دولتها برای آنکه خود را در معرض ادعاهایی که آن را ناروا می‌دانند، قرار ندهند، احتمالاً وقوع هر نوع بیماری را پنهان خواهند کرد و این موضوع می‌تواند یک بیماری ساده را به یک اپیدمی خطرناک تبدیل کند.^۳ به نظر می‌رسد در این موارد، دولت منشأ متعهد به پیشگیری و جلوگیری از شیوع اپیدمی به شرح مندرج در ماده ۶ مقررات بهداشت جهانی است و در صورت نقض اجرای این تعهد، قواعد مسئولیت بابت فعل متخلفانه اجرا خواهد شد. بنابراین، تعهد اولیه به پیشگیری و در صورت اقتضا اجرای قواعد مسئولیت بابت اعمال متخلفانه، مناسب‌ترین رژیم حقوقی برای اپیدمیهای اتفاقی است.

بند دوم: معیار سببیت

چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل رابطه سببیت میان فعالیت و خسارت یکی از عناصرسازنده مسئولیت است.^۴ از آنجاکه رابطه سببیت مستلزم ارتباط مستقیم میان یک فعالیت و وقوع خسارت است این عامل نیز نشان می‌دهد که چرا باید برای ایجاد مسئولیت محض، یک فعالیت پیشینی وجود داشته باشد. کمیسیون در تبیین مفهوم سببیت بیان می‌کند که این مفهوم، مبین نزدیک بودن یا مستقیم بودن ارتباط میان فعالیت موردنظر و خسارت می‌باشد.^۵ تحولات جدید نشان می‌دهد که محتوای سببیت از «شرط لازم»^۶ بودن فعالیت برای وقوع خسارت، به «نزدیک بودن»^۷ یا «منطقاً قابل انتساب بودن»^۸ تعدیل شده است. این تحول نشان دهنده منعطف شدن معیار سببیت است. چرا که بر اساس معیار «شرط لازم بودن» وجود عوامل میانی می‌تواند به شکسته شدن زنجیره سببیت منجر شود اما در معیار نزدیک بودن چنین موردی مطرح نیست.^۹ نکته مهم آن است که اگرچه پدیداری اپیدمی به انتقال بیماری از انسان به انسان نیازمند است اما این عوامل میانی باعث قطع زنجیره انتساب نمی‌شود چراکه - همانطور که بحث شد - اصولاً سببیت می‌تواند متشکل از عوامل میانی متعددی باشد. عموماً زمانی که کشور منشأ به موقع وقوع اپیدمی را اطلاع می‌دهد ابهاماتی درباره عامل سببیت رخ می‌دهد. بعد از اطلاع رسانی در خصوص وقوع بیماری اپیدمیک از سوی کشور منشأ، بی عملی دولتهای دیگر در مقابل اپیدمی، باعث تضعیف یا حتی قطع

^۱ Yu Gao et al, "In Depth: How Early Signs of a SARS-Like Virus Were Spotted, Spread, and Throttled", The Straits Times, (Feb. 29, 2020), <https://www.straitstimes.com/asia/east-asia/how-earlysigns-of-the-coronavirus-were-spotted-spread-and-throttled-in-china>. (accessed 01 Sep 2021)

^۲ Xue Hanqin, Transboundary Damage in International Law (Cambridge: Cambridge University Press, 2003), 6.

^۳ Joshua Reader, "The Case against China Establishing International Liability for China's Response to the 2002-2003 SARS Epidemic", Columbia Journal of Asian Law 19 (2006), 552.

^۴ Andrea Mackiolo, "Core Rules of International Environmental Law", ILSA Journal of International & Comparative Law 61 (2009), 259.

^۵ ILC Yearbook, 2006 (II,II), p. 79, para.16.

^۶ Sine que non

^۷ Reasonable imputation

^۸ Ibid.

^۹ Ilias Plakokefalos, "Causation in the Law of State Responsibility and the Problem of Overdetermination: In Search of Clarity", EJIL 26 (2015), 477.

زنجیره انتساب می‌شود. در این مواقع با تعدد عوامل موجد اپیدمی رو به رو هستیم^۱ و صرفاً باید مسئولیت را برای آن دسته از زیان‌هایی برقرار دانست که منطقاً به فعالیت اولیه و اصلی منتسب هستند. این راهکار واجد این مزیت است که دولت منشأ را ترغیب می‌کند برای کاهش یا جلوگیری از تحقق مسئولیتش زودتر اقدام به اطلاع‌رسانی نماید. البته زمانی که کشور متأثر، امکانات لازم برای جلوگیری از ورود اپیدمی را ندارد یا تعللی در تأمین امکانات لازم از طریق منابع داخلی و خارجی نکرده است، زنجیره انتساب همچنان تداوم خواهد داشت. باتوجه به اینکه طبق ماده ۶ مقررات بهداشت جهانی، گزارش‌دهی به موقع از وقوع اپیدمی، یکی از تعهدات اولیه دولت‌ها به شمار می‌آید، این سؤال مطرح است که عدم گزارش دهی به موقع باید موجب اجرای نظام مسئولیت بابت اعمال متخلفانه شود یا مسئولیت بابتاعمال منع نشده؟ به نظر می‌رسد که باید از دو جهت قائل به تفکیک شد. نخست، زمانی که یک دولت، به موقع تعهد به اطلاع رسانی را انجام داده است اما به دلیل سرعت انتقال ویروس، دولت‌های دیگر فرصتی برای جلوگیری از ورود اپیدمی را نداشته اند، دولت منشأ تعهدات خود را انجام داده است اما به جهت ورود زیان به دولت‌های دیگر از باب مسئولیت بابت اعمال منع نشده پاسخگو خواهد بود. دوم؛ اگر پیش از آنکه دولت میزبان از وقوع اپیدمی باخبر شود و این اپیدمی به سایر کشورها سرایت کند، دولت میزبان تعهدی را نقض نکرده و مجدداً نوبت به اجرای نظام مسئولیت بابت اعمال متخلفانه نمی‌رسد، اما وقوع زیان، عاملی است برای اجرای مسئولیت بابت اعمال منع نشده. علاوه بر این، در مواردی که دولت منشأ به دولت‌های متأثر پیشنهاد ارائه کمک‌های پزشکی و لجستیکی برای کاهش امواج اپیدمی را داده اما این پیشنهاد رد می‌شود، زنجیره انتساب نیز قطع می‌شود.

یکی دیگر از عوامل تعیین‌کننده در مبحث انتساب، ناشناخته بودن ساختار و نحوه انتقال و جهش ویروس‌های موجد اپیدمی هاست. علم دانشمندان نسبت به دلایل وقوع اپیدمی‌ها و میزان شیوع و میزان خطرات آنها به تدریج افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه هرچقدر که علم بر ساختار و دلایل ایجاد ویروس بالاتر رود، وقوع اپیدمی‌ها نیز بیشتر قابل پیش‌بینی می‌شود. به طور خاص، تمامی اپیدمی‌هایی که با بازار حیوانات وحشی مرتبط هستند، در دسته اپیدمی‌های قابل پیش‌بینی قرار می‌گیرند چراکه باتوجه به ارتباط بیماری‌های اپیدمیک قبلی با «مصرف گوشت یا تعامل انسان با برخی حیوانات وحشی»^۲ شیوع اپیدمی‌ها در اثر بازار این دسته از حیوانات، امروزه به عاملی قابل پیش‌بینی تبدیل شده است. در موارد دیگر نیز باید به پیشرفتهای تحقیقاتی در زمینه پزشکی توجه مضاعفی شود. همانطور که کمیسیون اعلام کرده است «در پرتو پیشرفتهای اخیر در پزشکی، بیولوژی، بیوشیمی، علم آمار و دیگر شاخه‌های دانش اهمیت معیار قابلیت پیش‌بینی کمتر و کمتر می‌شود.»^۳ حتی در جایی که قطعیت وقوع اپیدمی وجود ندارد، دولت‌ها از تعهد و مسئولیت به طور کامل رها نیستند. در حقیقت، عدم قطعیت، فرصتی برای اجرای اصل احتیاطی^۴ است؛ اصلی که آن هنگام اجرا می‌شود که دلایل محکمی مبنی بر وقوع خسارات در دست نیست.^۵ هر چند برخی نویسندگان نسبت به جایگاه عرفی این اصل تردیدهایی مطرح کرده‌اند^۶ اما به هر تقدیر این اصل، مهم‌ترین عامل برای کاهش وقوع خطرات زیانبار در زمانهایی است که قطعیت وقوع زیان وجود ندارد.

۱. کرافورد و دیگران، مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال منع‌نشده در حقوق بین‌الملل، پیشین، ۱۰۲.

۲. S Bhargav & M Rajratnam, "COVID-19: China's Liability Under International Law", Society of International Law and Policy, (14 April, 2020), <https://silpnujs.wordpress.com/2020/04/14/covid-19chinas-liability-under-international-law>. (accessed 10 Sep 2021).

۳. ILC Yearbook, 2009 (II,II), p. 79, para.16

۴. Precautionary principle.

۵. N Sadeleer, Environmental Principles: From Political Slogan to Legal Rules, (New York: Oxford University Press, 2002), 91.

۶. کرافورد و دیگران، مسئولیت بین‌المللی بابت اعمال منع نشده در حقوق بین‌الملل، پیشین، ۹۲.

نتیجه گیری

۱- مقصود از فعالیت‌های فوق خطرناک، اقدامات غیرمعمول و ناسازگار با شرایط مکانی گفته می‌شود که دارای درجه بالایی از خطر بوده و با اعمال مراقبت‌های معمول نمی‌توان از آن‌ها جلوگیری کرد. کشورها در تعریف این نوع فعالیت‌ها و عناصر آن به طور کلی رویکردهای مختلفی اتخاذ کرده‌اند. برخی از کشورها چون انگلیس (قاعده ریلند) و آمریکا (اصلاحیه قانون مسئولیت مدنی) به طور صریح این نوع اقدامات و شرایط آن را بیان کرده‌اند و از این حیث آن را به مصادیق حصری محدود نکرده‌اند در مقابل برخی از کشورها اگرچه به طور روشن، قاعده صریحی برای این فعالیت‌ها وضع نکرده‌اند لیکن قواعد حقوقی عام‌تری را تعیین کرده‌اند، که فعالیت‌های فوق خطرناک نیز مشتمل بر آن می‌شوند مانند کشور فرانسه که با تفسیر موسع رویه قضایی از قاعده مسئولیت ناشی اشیاء، فعالیت‌های فوق خطرناک هم داخل در آن قرار گرفته و مسئولیت مدنی آن مبتنی بر فرض تقصیر می‌باشد. در نهایت برخی از کشورها چون ایران صرفاً مصادیق محدودی از آن را ذکر کرده و آن را تحت شمول مسئولیت محض یا مطلق می‌دانند، بدون آنکه قاعده کلی در مورد آن‌ها وضع کنند.

۲- مبانی حاکم بر مسئولیت مدنی محض و فعالیت‌های فوق خطرناک، از جمله بازدارندگی، توزیع ضرر، تخصیص ضرر، ریسک غیرمتقابل و نفع غیرمتقابل به خوبی توجیه کننده تعیین مسئولیت محض نسبت به فعالیت‌های فوق خطرناک می‌باشد. این فعالیت‌ها چون ریسک بالایی در ورود ضرر دارند و خسارت‌های وارده در نتیجه آن نیز عموماً وسیع است و با مراقبت‌های معمول نیز نمی‌توان از آن جلوگیری کرد، نیازمند اقدامات احتیاطی بیشتری می‌باشند. اتخاذ اقدامات احتیاطی با مسئولیت محض سازگاری بیشتری دارد، از این حیث که از بازدارندگی بیشتری برخوردار است، حال آنکه در مسئولیت مبتنی بر تقصیر با توجه به اینکه اولاً اثبات تقصیر بوسیله زیان‌دیده دشوار است و ثانیاً ممکن است، عامل زیان اصلاً مرتکب تقصیر نشده باشد لیکن خسارت زیادی ایجاد شده باشد و تحمیل ضرر بر زیان‌دیده ناعادلانه است و ثالثاً با توجه به احتمال پیروزی عامل زیان و عدم اثبات تقصیر، ترغیب کمتری برای اتخاذ اقدامات احتیاطی ایجاد می‌شود.

۳- ریسک غیر متقابل و نفع غیرمتقابل از مبانی خاص فعالیت‌های فوق خطرناک می‌باشند. در اینگونه از فعالیت‌ها خطری که برای زیان‌دیده ایجاد می‌کند غیرمتقابل است مثلاً در فعالیت‌های مربوط به مواد منفجره، خطری که زیان‌دیده را تهدید می‌کند غیرمتقابل می‌باشد و همچنین نفع عامل زیان نیز غیرمتقابل و متمایز می‌باشد و بهره بردار این نوع فعالیت بنابر منافع خودش به چنین اقداماتی مبادرت می‌ورزد. بنابراین در این ریسک غیرمتقابل و نفع غیرمتقابل ناشی از فعالیت‌های فوق خطرناک، تحمیل اثبات تقصیر بر عهده زیان‌دیده نیز قابل توجیه و منطقی نمی‌باشد و برای ایجاد موازنه بین ریسک و منافع، باید مسئولیت عامل زیان را در اینگونه فعالیت‌ها فرض بگیریم. البته اگر نفع متقابل و ریسک متقابلی وجود داشته باشد مانند آنچه خطرات معمول جامعه می‌باشد و لازمه زندگی افراد است، نمی‌توان به چنین مبنایی استناد کرد.

۴- مصادیق بارز فعالیت‌های فوق خطرناک شامل استفاده از موادی چون مواد منفجره، سمی، شیمیایی و رادیو اکتیوی و همچنین اقداماتی نظیر حمل و نقل این مواد خطرناک، اقدامات اتمی، هوانوردی و فضاوردی می‌شود. مقصود از مواد منفجره در واقع موادی هست که نیروی لازم برای تخریب یا جابه جایی اشیاء ثابت ایجاد می‌کند، این مواد با توجه به اینکه مراقبت‌های ویژه‌ای را می‌طلبد و میزان تخریب و سرایت آن نیز به سختی قابل کنترل است، در بسیاری از کشورها در زمره فعالیت‌های خطرناک بوده و مسئولیت محض بر آن اعمال می‌شود. در مواد رادیواکتیوی و مواد سمی و شیمیایی مضر و

خطرناک با توجه به سرعت انتشار بالای آنها و خسارت‌های جدی که ممکن است ایجاد کنند، نیز داخل در همین دسته قرار می‌گیرند.

۵- فعالیت‌های فوق خطرناکی چون حمل و نقل و تخلیه زباله‌های خطرناک و همچنین فعالیت‌های اتمی علاوه بر خسارت‌هایی که ممکن است برای اموال و اشخاص داشته باشد، با خسارت‌های زیست محیطی نیز مرتبط بوده و می‌تواند آثار زیانبار عظیم و طولانی مدتی را برای محیط زیست داشته باشد که حتی در برخی از مواد سایر کشورها را نیز درگیر خود کند و از این رو اسناد بین المللی که در این زمینه تصویب شده است، اهمیت دارد و عموماً این اسناد مسئولیت محض یا مطلق را برای این فعالیت‌ها در نظر گرفته است.

۶- در مورد جایگاه نظریه مسئولیت محض برای فعالیت‌های فوق خطرناک، در حقوق بین الملل و مسئولیت بین المللی آن‌ها، بسیاری از حقوق‌دانان آن را در زمره اصول کلی حقوقی می‌دانند که بر اساس اساسنامه دیوان دادگستری بین المللی، از جمله منابع حقوق بین الملل به شمار می‌روند. علاوه بر آن معاهدات متعددی در رابطه با خسارت‌های زیست محیطی، حمل و نقل و تخلیه مواد خطرناک، اقدامات اتمی، فضایی و هوانوردی وجود دارد که مسئولیت مدنی محض یا مطلق را برای این فعالیت‌ها در نظر گرفته‌اند. ایران نیز به برخی از این کنوانسیون‌ها مانند کنوانسیون بازل و کنواسیون حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک در این باره پیوسته است.

فهرست منابع

۱. بادینی، حسن، عباسی، سمیه، مجله حقوق تطبیقی، "بررسی کارایی مسئولیت محض از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق"، ۱۳۹۷، ش ۱۰۹
۲. بادینی، حسن، مجله حقوق خصوصی، "مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیر قراردادی متصدی حمل و نقل هوایی"، ۱۳۸۹، ش ۳
۳. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲
۴. درگفتاری، پرهام، کانون وکلای دادگستری، "مسئولیت بین المللی دولت‌ها در قبال فعالیت‌های فضایی"، ۱۳۹۴، ش ۳۷
۵. قبولی، عباس، حسینی پویا، سید محمد مهدی، مطالعات حقوق انرژی، "بررسی استثنائات مسئولیت بهره بردار تاسیسات هسته‌ای در فرایند حمل و نقل مواد هسته‌ای در کنوانسیون‌های بین المللی"، ۱۳۹۸، ش ۱۰
۶. شاه حسینی، عطیه، مشهدی، علی، پژوهش حقوق عمومی، "جبران خسارات زیست محیطی بر اساس طرح ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین الملل مبنی بر اصول تخصیص زیان در موارد آسیب فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک"، ش ۵۵
۷. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب اله، مسئولیت مدنی، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۰
۸. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
۹. کاتوزیان، ناصر، انصاری، مهدی، مطالعات حقوق خصوصی، "مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست محیطی، تابستان ۱۳۸۷
۱۰. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۹۲
۱۱. نوری یوشاندلوئی، پژوهش حقوق عمومی، "حقوق و تکالیف دولت‌ها به پیشگیری و جبران آلودگی دریایی ناشی از حمل و نقل نفت در پرتو اسناد و آرای بین المللی"، ۱۳۹۳، ش ۴۴

۱۲. وحیدی، محمد حامد، افضلی مهر، مرضیه، پژوهش ملل، ۱۳۹۸، ش ۴۸
۱۳. یزدانیان، علیرضا، نیازی، عباس، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، "بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از حیوان در حقوق اسلام و غرب"، ۱۳۹۶، ش ۱۴
۱۴. یزدانیان، علیرضا، "طرح مسئولیت مدنی ناشی از اشیا در حقوق ایران و فرانسه"، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۳۹۶، ش ۲
۱۵. یوسفی، سید فرزانه، محسنی، سعید، حقوق تطبیقی، "مسئولیت ارسال کننده در حمل و نقل جاده‌ای کالای خطرناک در حقوق ایران و اتحادیه اروپا"، ۱۳۹۷، ش ۲

منابع لاتین

1. Anderson, Jon G. "The Rylands v. Fletcher Doctrine in America: Abnormally Dangerous, Ultrahazardous, or Absolute Nuisance." *Arizona State Law Journal*, vol. 1978, no. 1, 1978
2. Beggs, Christine M. "As Time Goes By: The Effect of Knowledge and the Passage of Time on the Abnormally Dangerous Activity Doctrine." *Hofstra Law Review*, vol. 21, no. 1, Fall 1992
3. Charme, Joni S. "Transnational Injury and Ultra-Hazardous Activity: An Emerging Norm of International Strict Liability." *Journal of Law and Technology*, 4, 1989
4. Eisenstein, Laurence Jay. "Choice of Law Regarding Private Activities in Outer Space: A Suggested Approach." *California Western International Law Journal*, vol. 16, no. 2, Summer 1986
5. Donaldson, James H. "Liability Arising from Owning or Harboring Animals." *Insurance Counsel Journal*, vol. 36, no. 2, April 1969
6. Freedman, Monroe H. "Nuisance, Ultrahazardous Activities, and the Atomic Reactor." *Temple Law Quarterly*, vol. 30, no. 2, Winter 1957